

نقد توصیفی و ساختاری سوگ چکامه‌های حماسی بختیاری (شوخی‌ها)؛ گونه‌ای از اشعار عامه

اصغر شهبازی*

(دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۹)

چکیده

سوگ چکامه یا «شوخی» (šowxin) در زبان بختیاری، گونه‌ای از اشعار عامه و حماسی است که در ضمن آن، رشادت‌ها، دلاوری‌ها، مبارزات و کشته شدن یکی از بزرگان یا دلیرمردان قوم بختیاری به تصویر کشیده می‌شود. این اشعار همچون سایر اشعار عامه، به وسیله افرادی ناشناس از عامه مردم سروده شده‌اند و در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها اختلاف وجود دارد و عمدتاً ترجمان عشق و ارادت عامه مردم به قهرمانان قومی خود هستند. البته، در ضمن این اشعار به پاره‌ای از آداب و رسوم، باورها و مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی قوم بختیاری نیز اشاره شده است. از آنجا که در بیشتر آثاری که درباره زبان و ادب عامه مردم ایران نوشته شده، آن گونه که شایسته است به این نوع از اشعار توجه نشده است، در این مقاله با مروری بر تحقیقات موجود، این گونه از اشعار عامه بختیاری معرفی و توصیف شده‌اند و به طور خلاصه مشخص شده است که حدود ۲۴ سوگ چکامه یا «شوخی» (۳۸۹ بیت) در زبان بختیاری وجود دارد که از این تعداد، چهار نمونه از آن‌ها، جزو سوگ چکامه‌های برجسته و مهم‌اند. همچنین، در این مقاله به مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و محتوایی سوگ چکامه‌های بختیاری، از قبیل قالبی بودن، داشتن عناصر و زمینه‌های شعر حماسی، توصیفات قوی و... اشاره شده و نشان داده شده است که این اشعار جزو اشعار تأثیرگذار عامه‌اند و از این رو، شایسته است که در بررسی اشعار عامه اقوام گوناگون، به آن توجه شود.

واژه‌های کلیدی: اشعار عامه، زبان بختیاری، سوگ چکامه، شوخی (شبیخون)، علیمردان‌خان، بی بی مریم.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد (نویسنده مسئول).

*asgharshahbazi88@gmail.com

۱. مقدمه

اشعار عامه، آینه ذوق و هنر عامه مردم و معرف خلق و خوی اقوام گوناگون‌اند و از این روی، شناخت اقوام مختلف، بدون شناخت فرهنگ، زبان و ادب عامه میسر و کامل نیست. همه کسانی که دل در گرو شناخت اقوام مختلف ایرانی دارند و می‌خواهند آداب و رسوم، خلق و خو، ذوق و هنر عامه مردم را بشناسند، لازم است که مطالعه زبان و ادب عامه را در اولویت مطالعات خود قرار دهند.

ادب عامه، گستره وسیعی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به ادب داستانی عامه، ادب نمایشی عامه، ادب غیرروایی عامه و شعر عامه (ادب منظوم عامه) تقسیم می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۴۰). در این تقسیم‌بندی، شعر عامه خود به فروعی همچون اشعار شادی، اشعار سوگ، اشعار بازی و سرگرمی، اشعار خواب و نوازش، اشعار نیایشی و اشعار تغزلی تقسیم می‌شود که البته، هر کدام از آن فروع، خود چندین‌گونه از اشعار عامه را شامل می‌شود. وانگهی این فروع و گونه‌ها در مناطق مختلف با تنوعی کم‌نظیر و چشمگیر همراه‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت مطالعه همه‌جانبه آن‌ها نیازمند همت و تلاش گروهی است.

در همین راستا، قوم‌بختیاری یکی از اقوامی است که بنا بر تحقیقات پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات عامه، دارای زبان و ادب عامه برجسته و گسترده‌ای است و این موضوع را اشعار عامه گوناگون آن قوم به اثبات رسانده‌اند. اگرچه با همه تلاش‌های صورت‌گرفته، هنوز هم گونه‌هایی از اشعار عامه وجود دارد که آن‌طور که شایسته است، معرفی و شناسانده نشده‌اند و بیم آن وجود دارد که همین ناشناخته ماندن سبب فراموشی آن‌ها شود که از آن اشعارند «سوگ‌چکامه»های حماسی یا «شوخین»های شبیخون) بختیاری که قرار است در این مقاله بدان‌ها پرداخته شود.

گفتنی است که این نوع اشعار به قوم بختیاری اختصاص ندارد و مثلاً در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز چنین اشعاری وجود دارد که از آن جمله‌اند. اشعاری که پس از مرگ میرمذکور و میرغارتی سروده شده‌اند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۳۴ - ۳۵) یا اشعاری که پس از کشته شدن کی‌لهراسب در نبرد با رضاشاه در تنگ «تامرادی» گفته شده است (همان، ۳۶ - ۳۹، ۴۳ - ۴۸).

سوگ‌چکامه یا شوخین، سروده‌ای است گویشی که سراینده آن مشخص نیست؛ اما انگیزه سرودن آن، دلاوری‌ها و قهرمانی‌های یکی از پهلوانان یا بزرگان قوم بختیاری است و از همین رو، مضمون اصلی آن بیان دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمانان یا بزرگان ایل بختیاری است. کسانی که در راه وطن، آزادی و آرمان‌های قومی و مذهبی، با هیئت حاکم و مخالفان جنگیده‌اند و در آن راه، تا پای جان ایستادگی کرده و در نهایت، عزتمندانه کشته شده‌اند.

متأسفانه و با وجود نمونه‌های برجسته‌ای از این‌گونه اشعار عامه در زبان بختیاری، این نوع از اشعار عامه، آن‌چنان‌که باید و شاید، در کتب و مقالات مرتبط با زبان و ادب عامه توجه نشده‌اند و از این رو، در این مقاله، با طرح پرسش‌های زیر، این نوع از اشعار عامه (در زبان بختیاری) نقد و بررسی شده‌اند:

الف) سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری یا شوخین‌ها (شبیخون‌ها) به چه نوع اشعاری گفته می‌شود؟

ب) سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری چه ویژگی‌های محتوایی و ساختاری‌ای دارند؟

ج) معروف‌ترین شوخین‌های زبان بختیاری کدام‌اند؟^۱

د) ارزش‌های زبانی، فرهنگی و تاریخی سوگ‌چکامه‌ها یا شوخین‌های بختیاری با توجه به شعر عامه کدام‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

نخستین منبع مکتوبی که می‌توان در آن ابیات پراکنده‌ای از سوگ‌چکامه‌های بختیاری، البته نه با این عنوان یافت، کتاب *موادی برای بررسی گویش‌های ایرانی* اثر ژوکوفسکی (۱۸۵۸ - ۱۹۱۸م) است که در آن ۴۲ قطعه شعر (مال) عامه کوتاه و بلند بختیاری جمع آوری شده است و در آن اشعار، ابیاتی وجود دارد که بعدها سرایندگان «شوخین‌ها» از آن استفاده کرده‌اند؛ ازجمله ابیاتی که در قطعه شماره ۱۰ وجود دارد (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۲۳۲).

پس از وی، اولین فردی که به ثبت و ضبط سوگ‌چکامه‌های بختیاری مبادرت ورزیده است، عبدالعلی خسروی است. وی در کتاب *تاریخ و فرهنگ بختیاری* در ضمن معرفی جنگ‌های برون و درون‌مرزی بختیاری، از اشعاری با نام اشعاری سخن گفته که عامه مردم پس از آن جنگ‌ها سروده و سینه به سینه نقل شده و به ما رسیده‌اند. وی این اشعار را «بیت‌سرایی» با انگیزه حماسی دانسته که به تقلید از شاهنامه‌خوانی (هفت‌لشکرخوانی در بختیاری) به وجود آمده‌اند (خسروی، ۱۳۷۲: ۵۱ - ۱۰۶، ۳۰۹).

پس از خسروی، بیژن حسینی (۱۳۷۶: ۲۱ - ۷۸) در کتاب *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری* فصلی را به این‌گونه اشعار با عنوان «اشعار حماسی» اختصاص داده و با همت و تلاش ستودنی، بیشتر سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری را ثبت کرده؛ اما درباره ساختار و ارزش‌های زبانی و ادبی آن‌ها سخنی نگفته است.

کاظم پوره (۱۳۸۱: ۱۰۱ - ۱۴۱) نیز در کتاب *موسیقی و ترانه‌های بختیاری* با تمایز قائل شدن میان جنگ‌های حماسی و جنگ‌های قومی و قبیله‌ای، برخی از این اشعار را حماسی و برخی از آن‌ها را «سوگینه» دانسته و بخش‌هایی از آن اشعار را در کتاب خود آورده است؛ اما وی نیز درباره ارزش‌های زبانی و ادبی آن‌ها بحث نکرده است.

پس از او، علی آسمند (۱۳۸۰: ۸۹ - ۹۱) در کتاب *تاریخ ادبیات در قوم بختیاری* با اشاره به جنگ‌های بختیاری، به سروده شدن اشعاری پس از این جنگ‌ها اشاره کرده و ابیاتی از سرودهای آعلیداد، ابوالقاسم‌خان و علی‌مردان‌خان را با عنوان اشعار حماسی نقل کرده؛ اما وی نیز درباره جایگاه این اشعار، مطلبی بیان نکرده است.

حسن ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸: ۱۴۳ - ۱۷۰) در مقاله «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران» بیان کرده‌اند که بخشی از ترانه‌های سوگ به بزرگداشت قهرمانان ملی و منطقه‌ای اختصاص دارد و نمونه‌هایی از آن ترانه‌ها را از جنوب، فارس و شمال برشمرده‌اند؛ اما به این‌گونه اشعار در منطقه بختیاری اشاره نکرده‌اند. ذوالفقاری (۱۳۹۷: ۳۰۴ - ۳۶۴) که در کتاب *زبان و ادبیات عامه ایران* به تفصیل از انواع شعر عامه در بختیاری سخن گفته، به این نوع از اشعار عامه بختیاری اشاره نکرده است.

محمد حنیف (۱۳۸۶: ۱۳۲) در کتاب *سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری* موسیقی و ترانه‌های بختیاری را از منظر موضوع و محتوا، تقسیم‌بندی کرده و

ذیل ادبیات و موسیقی حماسی، به صورت اجمالی به اشعار «علیداد»، «نامدارخان»، «ابوالقاسم خان» و «شیرعلی مردان» اشاره کرده و بیان داشته است که ادبیات و موسیقی حماسی بختیاری در بیت‌های همچون بیت علیداد و... برجسته می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد، حنیف از این اشعار با عنوان «بیت» نام برده باشد.

غفاری (۱۳۸۸: ۱۷۱) نیز در مقاله «موسیقی سوگ در ایل بختیاری» این نوع از اشعار را ذیل «سوگ آواز»ها آورده است.

عباس قنبری عدیوی (۱۳۹۱: ۱۰۹ - ۱۱۲) نیز در کتاب *ادبیات عامه بختیاری* این اشعار را جزو اشعار غیرموسمی (از نوع حماسی) قرار داده و نمونه‌هایی از آنها (شیرعلی مردون و همکاران) را نقل کرده و برای اولین بار، برخی از ویژگی‌های محتوایی این اشعار را بر شمرده است.

قاضی‌زاده (۱۳۹۵: ۱۰۸ - ۱۳۲) نیز در کتاب *جامعه‌شناسی شعر بختیاری* نمونه‌هایی از این اشعار را نقل کرده؛ اما درباره ارزش‌های ادبی و زبانی آنها یا مباحث جامعه‌شناختی آنها سخنی نگفته است.

از آنجا که در آثار و مقالات چاپ‌شده در سطح ملی و منطقه‌ای، به این‌گونه از شعر عامه بختیاری به‌خوبی توجه نشده است و حتی در نامیدن آنها و جایگاه آنها در میان اشعار عامه، اختلاف نظر وجود دارد و به تبع آن، ارزش‌های زبانی، ادبی و فرهنگی این گونه از اشعار عامه، کاویده نشده است، نگارنده بر آن شد تا در قالب این مقاله، به این موضوع بپردازد. باشد که این مقاله بتواند این‌گونه ادب عامه را به مخاطبان خود بیشتر و بهتر معرفی کند.

۳. روش تحقیق

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق بخشی میدانی و بخشی کتابخانه‌ای و روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که پس از گردآوری کامل این‌گونه از اشعار عامه بختیاری، این اشعار تصحیح، ویرایش و آوانویسی و آنگاه معروف‌ترین نمونه‌های آنها معرفی و نقل شده‌اند و درنهایت، به اهم ویژگی‌های زبانی، ادبی، ساختاری و محتوایی آنها اشاره شده است. در جمع‌آوری

میدانی این گونه از اشعار، به‌ویژه اشعاری که در این مقاله بررسی شده‌اند، راویان عبارت اند از: عزت جباری (شهرستان اردل)، روح‌الله کریمی (شهرستان کوهرنگ) و کوروش اسدپور (شهرستان لردگان). البته، با توجه به اینکه بیشتر این سوگ‌چکامه‌ها امروزه در قالب کتاب یا مقاله منتشر شده‌اند، نگارنده از منابع نوشتاری موجود هم بهره برده است. وانگهی برخی از این سوگ‌چکامه‌ها در قالب کاست‌هایی ضبط شده که نگارنده خود چند نمونه از آن‌ها را در اختیار داشته است.

۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

چنانکه گفته شد، بیشتر کسانی که در حوزه اشعار عامه بختیاری تحقیق کرده‌اند، صرفاً این گونه از اشعار یا تعدادی از این اشعار را در قالب کتاب یا مقاله منتشر کرده‌اند و حتی در نام‌گذاری این نوع از اشعار، وحدت نظر وجود ندارد و برخی، آن‌ها را جزو اشعار حماسی و جنگ (شوخین) و برخی جزو اشعار غنایی و سوگ (گاگریوه) قرار داده‌اند. وانگهی درباره ویژگی‌های زبانی، ساختاری و فرهنگی این نوع از اشعار هم بحث نشده است. از این رو، این مقاله در پی این ضرورت‌ها فراهم شده است.

۵. بحث اصلی

۵ - ۱. سوگ‌چکامه‌های حماسی (شوخین) گونه‌ای از اشعار عامه بختیاری

استان چهارمحال و بختیاری یکی از استان‌های کشور ایران است که در یک تقسیم‌بندی (بر مبنای زبان) از دو بخش چهارمحال و بختیاری تشکیل شده است. چهارمحال در این تقسیم‌بندی، مناطقی (محال جمع محل / بخش) را شامل می‌شود که در حال حاضر، زبان آن‌ها، گونه‌ای از زبان فارسی است، مانند شهرستان‌های شهرکرد، بروجن و بخش‌هایی از شهرستان‌های کیار و میزدج. بختیاری در این تقسیم‌بندی، منظور شهرستان‌هایی است که اکنون به زبان بختیاری که گونه‌ای از زبان لری است سخن می‌گویند؛ یعنی مردم شهرستان‌های لردگان، اردل، کوهرنگ و بخش‌هایی از شهرستان‌های کیار و میزدج. البته، در این استان، در شهرستان‌های سامان و بن و به‌صورت پراکنده در مناطق دیگر، گویشورانی نیز به زبان ترکی وجود دارند که در این

مقاله مدنظر نیستند؛ زیرا در این مقاله، جامعه آماری، مردم بختیاری‌زبان، با تأکید بر شهرستان‌های اردل، کوهرنگ و لردگان است.

در میان مردم بختیاری‌زبان این استان، بنا بر سابقه تاریخی و حضور چشمگیر در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، به خصوص در دوره‌های قاجار و پهلوی، گونه‌ای از اشعار عامه به وجود آمده است که «شوخین» یا «شوخی» نامیده می‌شوند. «شوخین» یا «شوخی» کوتاه‌شده یا دگرگونه واژه «شیخون» است؛ چون بختیاری‌ها به «شب»، «شو» و به «خون»، «خین/حین» می‌گویند. بنابراین، «شوخین» یا «شوخی» یا «شوخی‌زدن»، یعنی «شیخون‌زدن» (مددی، ۱۳۹۲: ۱۹۲) و در اصطلاح به‌نوعی از اشعار عامه گفته می‌شود که درباره شیخون‌زدن یکی از بزرگان یا قهرمانان ایل به سپاه ظلم سروده شده باشد.

درباره سیر تاریخی یا چگونگی شکل‌گیری این اشعار، می‌توان گفت اشعار عامه بختیاری، ویژگی‌های مخصوصی دارند که یکی از آن‌ها، قالبی بودن است. قالبی بودن به این معناست که بسیاری از ابیات بختیاری به صورت الگوهای ثابت شعری در آمده و بعدها به همان صورت ثابت و قالبی، در مواضع دیگر سرایندگان از آن استفاده کرده‌اند و در نتیجه، ابیات حاصل تنها در نام اشخاص یا برخی از واژه‌ها، تفاوت دارند. بنابراین، می‌توان گفت اساس سوگ‌چکامه‌های بختیاری، ابیات قالبی و قابل جایگزینی است که بیشتر ورد زبان مردم بوده است که عمدتاً هم ثبت نشده بودند تا آن‌گاه که یک حادثه مهم و تأثیرگذار در میان قوم بختیاری به وقوع می‌پیوست و صاحبان ذوق و هنر را وامی‌داشت تا از ترکیب آن ابیات ثابت با ابیات چندی که خود می‌سرودند، چکامه‌ای می‌ساختند که چون عمدتاً بر محور جنگ و نبرد و شیخون می‌گردید، بدان «شوخین» می‌گفتند. بر این اساس می‌توان گفت کهن‌ترین نمونه مکتوب این گونه از اشعار، ابیاتی هستند که ژوکوفسکی (۱۳۹۶: ۳) در لابه‌لای اشعار عامه بختیاری، در کتاب خود نقل کرده است.

در این سروده‌ها، دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمان ایل، تا کشته شدن شجاعانه او به تصویر کشیده می‌شود. البته، بختیاری‌ها درباره همه جنگ‌ها و افرادی که جنگ کرده‌اند، «شوخین» نسوده‌اند؛ بلکه درباره افرادی، شوخین سروده‌اند که نخست از

قهرمانان محبوب، خوش‌نام و بزرگ ایل باشند و سپس در راه آرمان‌هایی بزرگ همچون وطن، آزادی و دین جنگیده و درنهایت، کشته شده باشند. این نوع از اشعار که در این مقاله، «سوگ‌چکامه حماسی» نامیده شده‌اند، مانند بیشتر اشعار عامه، سروده افرادی بی‌نام و نشان از عامه مردم‌اند. مردمی که قهرمانان قومی خود را دوست می‌دارند و او را تا پای جان یاری می‌دهند و بعد از مرگ نیز، یاد او را در قالب چنین اشعاری زنده نگه می‌دارند. بر همین اساس می‌توان گفت این نوع از اشعار عامه در میان بختیاری‌ها دارای جایگاه رفیعی هستند. کمتر کسی از زنان و مردان بختیاری است که سوگ‌چکامه «شیر علی مردون» (علی مردان‌خان بختیاری) را بشنوند و اشک از چشمانش جاری نشود.

شوخی‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری، از نظر درون‌مایه و محتوا، عمدتاً حماسی‌اند؛ یعنی عناصر و زمینه‌های اصلی یک شعر حماسی، مانند زمینه‌های قومی، ملی، قهرمانی و روایی را با شدت و ضعف دارند؛ اما از آنجا که با انبوهی از احساس و عاطفه همراه‌اند، برخی آن‌ها را سوگینه نامیده‌اند.

چنانکه گفته شد سرایندگان این اشعار، عامه مردم‌اند؛ اما مجریان یا اجراکنندگان این سوگ‌چکامه‌ها، خوانندگان بختیاری یا همان سرودخوانان مراسم‌های سوگواری (گاگریوه‌خوانان) و گاهی آوازخوانان هستند. امروزه این اشعار عمدتاً در یادواره‌هایی که برای آن بزرگان و قهرمانان، برپا می‌شود، به وسیله خوانندگان بختیاری همراه با موسیقی اجرا می‌شوند. البته، چون این اشعار قالبی هستند، گاهی در مراسم‌های سوگواری جوانان تازه گذشته نیز خوانده می‌شوند؛ به این صورت که مداحان به جای نام قهرمان اصلی، نام متوفی را قرار می‌دهند و آن اشعار را می‌خوانند.

در این سوگ‌چکامه‌ها، سراینده، دانای کل است؛ یعنی تمام واقعه را از ابتدا تا انتها می‌داند. از این رو، تمام آن روایت را نقل نمی‌کند. او به گونه‌ای ماهرانه و همچون تکنیک جریان سیال ذهن در داستان‌نویسی، شنونده یا مخاطب را در میانه ماجرا قرار می‌دهد و همین‌طور که شعر را ادامه می‌دهد، مخاطب را با قهرمان و چگونگی نبرد و کشته شدنش آشنا می‌سازد. در شوخی‌ها یا سوگ‌چکامه «شیر علی مردون» (علی مردان‌خان بختیاری)، سراینده بدون مقدمه‌چینی، ابیاتی را از زبان علی مردان‌خان نقل می‌کند:

کُیه تیپ؟ کُیه سپاه؟ کُیه فراشم؟ ره بدین دام و ددوم بیان سر لاشم
بی‌عروس تو کل بزن تا مو کنم جنگ شمشیرم و گل زنم سی ایل چالنگ
Koye tip? Koye sepâh? Koye farâšom? Rah bedin dâm o dadum biyân sare
lâšom// bi arus to kel bezan tâ mo konom jang šošîrom ve gel zanom si
ile çâlang.

برگردان: تیپ، سپاه و خدمتکارانم کجایند؟ راه را باز کنید تا مادر و خواهرانم به
سر جسد من بیایند. بی‌بی عروس تو هلهله شادی سر بده تا من بجنگم و برای نجات ایل
چهارلنگ، شمشیرم را از غلاف بیرون بکشم.
آن‌گاه سراینده، پس از سیزده بیت، به نبرد علی‌مردان‌خان بختیاری با رضاشاه پهلوی
در منطقه بختیاری اشاره می‌کند:

چی کلا پرپر گُتم رُم سر فردون اسم شانه کور گُتم سی علی‌مردون
یه گردان ز دولتی اوی به سیمون گرگ که زال ایزنه سی بی‌کسیمون
či kelâ per per konom rom sare ferdun esme šâne kur konom si ali merdun/
ya gordân ze dowlati evey be simun gorge koh zâl izane si bikesimun.
برگردان: مانند کلاغی پرواز می‌کنم و بر فراز کوه فردون (وردون) می‌روم تا برای
خاطر علی‌مردان، نام شاه را از صفحه روزگار محو کنم. یک گردان نظامی از طرف
دولت (حکومت رضاخان) برای مقابله با ما آمد. گرگ کوهساران نیز به دلیل بی‌کسی و
تنهایی ما ناله می‌کند. (حسینی، ۱۳۷۶: ۷۶)

۵-۲. معروف‌ترین سوگ چکامه‌های حماسی (شوخن) بختیاری

۵-۲-۱. شوخن اسدخان بهداروند

اسدخان، رئیس طایفه بهداروند بختیاری بود که از پرداخت مالیات به فتحعلی‌شاه قاجار
سر باز زد. به همین دلیل، فتحعلی‌شاه، حکم دستگیری او را صادر کرد. وقتی او را
دستگیر کردند، فتحعلی‌شاه دستور داد تا او را زنده به گور کنند. در روز موعود، کارگران
که بیشتر دوستداران اسدخان بودند، خوب دست به کار نمی‌بردند. به همین دلیل،
اسدخان خود بیل و کلنگ را گرفت و گور خود را کند. فتحعلی‌شاه که از این همه
شهامت، تعجب کرده بود، او را در ازای تأمین زغال برای کارخانه مهمات‌سازی آزاد
کرد.

اسدخان پس از آن، به دلیل جفاهای حکومت در حق بختیاری‌ها، در محلی به نام «کلنگ‌چی» یا «کلنگ‌چین» با حکومت وارد جنگ شد. در این جنگ که ژنرال‌های فرانسوی یاریگر حکومت بودند، سپاه بختیاری پس از عبور از تنگه صعب‌العبوری، در جلوی صخره‌ای به محاصره در آمد. اسدخان برای عبور از صخره، دستور داد بسیاری از احشام را کشتند تا بتوانند پشته‌ای فراهم کنند و به بالای صخره صعود کنند. بالاخره عده‌ای صعود کردند؛ اما بسیاری از پیرمردان و کهنسالان جان باختند. اسدخان خود توانست از این مهلکه جان سالم به‌در ببرد و تا سال ۱۲۳۸ هجری نیز با حکومت جنگ کند و پس از آن درگذشت (رئیزی، ۱۳۷۵: ۹۴ - ۹۹). جنگ‌های شجاعانه اسدخان سبب شد که مردم دوستدار وی، در ابیاتی نام او را جاویدان کنند:

کلنگ‌چینه تش زَم تش به سر تش که خدا شورا کشم اساق کَهِش

Kolangčine taš zanom taš be sare taš, kahxodâ šowrâkašom esâqe kahiš.

برگردان: منطقه کلنگ‌چین را آتش می‌زنم؛ آتش پس از آتش! همراه با اسحاق

کَهِش که کدخدای طرف مشورت من است (اسحاق کَهِش، بزرگ طایفه کَهِش و ایل سهونی که در جنگ کلنگ‌چین در کنار اسدخان به‌داروند بود).

کول به کول، کول خدنگ، کول کلنگ‌چین صحرانه سوار گرهد، دورم تفنگ‌چین
Kul be kul, kule xadang kule kolangčîn sahrane sovar gerehd dowrom tofangčîn.

برگردان: دره به دره؛ دره خدنگ و دره کلنگ‌چین، همه‌جا را سواران گرفته‌اند و دور و بر من را تفنگ‌چی‌ها اشغال کرده‌اند.

فرنگی گرازخوره، هی توپ اریزه کی گله شاه اسدم، ذغال بویزه...

Farangi gorazxore, hey tup irize ki gode šâh asadom zoqal bevize.

برگردان: فرنگی گرازخوار (خدانشناس) است و دائماً با گلوله‌های توپ به‌سمت ما

شلیک می‌کند. چه کسی گفته است که اسدخان باید ذغال تهیه کند؟

رحمانی برده بنه زیر تفنگم هفت‌وچار، وا دینارون ویدن به جنگم
Rahmani barde bene zire tofangom hafto çâr va dinarun veyden be jangom.

برگردان: آقای رحمانی (از افراد اسدخان) سنگ را زیر تفنگ من بگذارد؛ زیرا

طوایف ایل هفت‌لنگ و چهارلنگ به‌همراه طوایف دینارون به‌جنگ من آمده‌اند.

شیرم با شاه اسد خوس و گِگونس دشمنون گرُهدنه ز شهنه مونس

Širom bâ šâh asad xoso gegunes dešmenun gorohdene ze šehne munes.

برگردان: شاه اسد خودش و برادرانش، شیران و عزیزان من هستند؛ زیرا دشمنان از صدای شیهه‌ مادیانش گریخته‌اند.

شمشیر شاه اسد چی نیزه آفتو همسو که زبس به گل دشمن گنه تو
Šošire šâh asad či neyze afto haso ke zanes be gel dešmen kone tow.

برگردان: شمشیر اسدخان (شاه اسد) مانند تیغه آفتاب است. وقتی که از نیم در می‌آید، دشمنان تب می‌کنند. (همان، ۲۵ - ۲۹)

۵-۲-۲. شوخین علی مردان‌خان بختیاری

علی‌مردان‌خان، پسر علی‌قلی‌خان و از نوادگان ابدال‌خان (از طایفه محمود صالح بختیاری) بود. مادر وی بی‌بی مریم بختیاری، دختر حسین‌قلی‌خان ایلخانی بود. هم‌زمان با ظهور رضاشاه و اجرای طرح‌هایی همچون خلع سلاح عشایر، تخت قاپو (اسکان اجباری عشایر) و کشف حجاب، عرصه بر بختیاری‌ها تنگ شد. به همین دلیل علی‌مردان‌خان با تأسیس جمعیتی به نام «هیئت اجتماعی بختیاری»، علیه حکومت مرکزی قیام کرد. قیام علی‌مردان‌خان، نیمه‌ خرداد ۱۳۰۸ شمسی شروع شد (امیری، ۱۳۷۷: ۷۷ - ۷۸). علی‌مردان‌خان به سپاه بختیاری دستور داده بود با کلاه نمدی بختیاری (به‌جای کلاه پهلوی) و پرچم «لااله‌الاالله» در این قیام شرکت کنند. دولت برای خاموش کردن قیام علی‌مردان‌خان، چند تن از بزرگان بختیاری را به منطقه اعزام کرد؛ اما علی‌مردان‌خان حاضر به صلح نشد.

رضاشاه هم وقتی از سرکوبی غائله جنوب فارغ شد، چندین فوج نظامی، به منطقه بختیاری گسیل کرد. آخرین حمله نیروهای نظامی هنگامی آغاز شد که علی‌مردان‌خان و یارانش در گردنه زردیا (نزدیک قهفرخ/ فرخ‌شهر کنونی) مستقر شده بودند و نمایندگان حکومت با وی داشتند مذاکره می‌کردند. در این هنگام با ورود زره‌پوش، جنگ به مرحله دشواری رسید و بسیاری از افراد سپاه علی‌مردان‌خان کشته شدند. علی‌مردان‌خان با گروهی از سوارانش توانستند از آن منطقه بگریزند؛ اما در منطقه میانکوه دستگیر شدند (همان، ۷۹ - ۸۰).

علی‌مردان‌خان سپس به زندان قصر منتقل شد و در همان‌جا و در سال ۱۳۱۳ شمسی تیرباران شد. شهادت علی‌مردان‌خان - که علیه استبداد رضاشاه قیام کرده بود -

موجی از غم و اندوه در میان بختیاری‌ها ایجاد کرد. یکی از واکنش‌های مردم به این واقعه، سرودن سوگ‌چکامه یا شوخینی است که بیش از هشتاد سال است که ورد زبان مردم این دیار است. در این سوگ‌چکامه حماسی، سراینده ناشناس، ابتدا زبان‌حال علی‌مردان‌خان را در میدان نبرد توصیف می‌کند. تو گویی سراینده خود با او در میدان نبرد بوده و آخرین وصایای او را از زبان وی شنیده است:

کُیه تیپ؟ کُیه سپاه؟ کُیه فراشم؟ ره بدین دام و ددوم بیان سر لاشم
Koye tip? Koye sepâh? Koye farâšom? Rah bedin dâm o dadum biyân sare lâšom.

برگردان: تیپ، سپاه و خدمتکارانم کجایند؟ راه را باز کنید تا مادر و خواهرانم به سر جسد من بیایند.

بی‌عروس تو کل بزن تا مو کُوم جنگ شمشیرم و گل زتم سی ایل چالنگ
bi arus to kel bezan tâ mo konom jang šošîrom ve gel zanom si ile çâlang.

برگردان: بی‌بی عروس تو هلهله شادی سر بده تا من بجنگم و برای نجات ایل چهارلنگ، شمشیرم را از غلاف بیرون بیاورم.

بی‌عروس تو کل بزن، کل بُساکِی تفنگچی ز مَم‌صالح سوار ز راکی
bi arus to kel bezan kele bosaki, tofangçi ze mamsâleh sovâr ze râki.

برگردان: ای نوع‌عروس تو هلهله‌ای از نوع هلهله‌های طوایف بُساکِی سر بده تا به این وسیله تفنگچیان طایفه محمدصالح و سواران طایفه راکی باخبر شوند و به یاری من بیایند.

لاشمه گویل بنین سر تهده مُنگشت بل غوروم نشکنه دورون وُرگشت
Lâšome gevuyal benin sar tahde mongašt, bal qorurum naškane dourune vorgašt.

برگردان: ای برادران! جسد من را بر سر کوه منگشت قرار دهید. باشد که روزگار نتواند غرور من را بشکند.

بی‌وی‌یل سی کشتنم پلا بریدن گویلیم ز داغ مو هی لاله چیدن
Biviyal si koštenom palâ boriden, gevuyalom ze dâqe mo hey lâle çiden.

برگردان: بی‌بی‌ها (زنان بلندپایه) بعد از کشته شدن من موهای خود را می‌برند و برادرانم از داغ من، سراغ گل‌های لاله می‌روند.

پس از آن، سراینده، لحن و شکل کلام را تغییر می‌کند و از خود که زبان گویای ایل بختیاری است، ابیاتی در عظمت آن قهرمان می‌سراید:

کیه ره علیمردون برنو سر شون بعد خوس ای گویم کی مند به میدون
Koye ra alimerdun bernow sare šun, ba?de xos ey gevuyalom ki mand be meydun

برگردان: علی‌مردان که همیشه تفنگ برنو بر سر شانه داشت، کجا رفت؟ ای برادران! بعد از خودش دیگر چه کسی در میدان مانده است؟

شاد ای علیمردن تفنگ سر شون تش بنم به قهفرخ تا که فردون

Šâd evey alimerdun tofang sare šun, taš benom be qahfarox ta kohe ferdun

برگردان: روح علی‌مردان شاد باشد؛ علی‌مردان که تفنگ بر سر شانه داشت. برای

خاطر او باید از قهفرخ تا کوه فردون را به آتش بکشم.

شمشیر علیمردن طلای بی غش به زمین برق ایزنه به آسمون تش

Šošire alimerdun telaye bi qaš, be zomin barq izane be asemun taš.

برگردان: شمشیر علی‌مردان طلای ناب بود؛ روی زمین برق می‌زد و در آسمان

همچون برق می‌درخشید.

تفنگ علیمردون هم باز صدا کرد سرهنگ کله‌پوستی هنگه بلا کرد

Tofange alimerdun ham baz soda kerd, sarhange kolapusti hange bela kerd.

برگردان: گوش کنید! گویی صدای تفنگ علی‌مردان هنوز به گوش می‌رسد؛ آن

موقعی که سرهنگ سپاه پهلوی لشکر خود را گم کرده و پا به فرار گذاشته بود.

طیاره بال بال کُنه سر کُنه فرودن اسم شانه کور کُنه شیر علی‌مردون

Tayyare bâl bâl kone sar kohe ferdun, esme šâne kur kone šir alimerdun.

برگردان: بالگردها بر سر کوه فرودن به پرواز درآمده‌اند و آمده‌اند تا علی‌مردان خان

را بکشند؛ علی‌مردان خانی که می‌خواست اسم شاه را از صفحه روزگار محو کند.

(حسینی، ۱۳۷۶: ۷۲ - ۷۵؛ نوروزی، ۱۳۷۷: ۹۰)

این سوگ چکامه حماسی در کتاب *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری* ۲۰ بیت است

(همان)؛ اما در کتاب دوم آنزان، ۱۳ بیت (نوروزی، ۱۳۷۷: ۹۰. و این یکی از

ویژگی‌های اشعار عامه است که در مناطق مختلف در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها

اختلاف وجود دارد.

۵ - ۲ - ۳. شوخین ابوالقاسم خان بختیاری

ابوالقاسم خان بختیار، فرزند لطف علی خان امیرمفخم و نوه امام قلی خان حاج ایلخانی بود. پدر ابوالقاسم خان، میزبان علی اکبر دهخدا در قلعه دزک بود. ابوالقاسم خان، دختر نصیرخان سردار جنگ، یعنی بی بی عظیمه را به همسری داشت. او تحصیل کرده فرنگ بود که بعد از سقوط رضاشاه برای احقاق حقوق پایمال شده بختیاری ها، به منطقه بختیاری آمد. او در سال ۱۳۲۵ شمسی با کمک ناصرخان قشقایی نهضت جنوب را علیه حکومت پهلوی سامان داد و توانست از چندین نقطه ضربات سهمگینی بر حکومت پهلوی وارد کند.

محمدرضاشاه برای سرکوبی ابوالقاسم خان، سپهد تیمور بختیار (اولین رئیس ساواک و برادرزاده ابوالقاسم خان) را به منطقه بختیاری اعزام کرد. تیمور بختیار از طرف شاه به او امان نامه داد و او را با خود به تهران برد. در تهران ابوالقاسم خان را روانه زندان کردند و پس از چندی به طرز فجیعی به قتل رساندند (آسمند، ۱۳۸۰: ۸۹؛ قاضی زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۳ - ۱۱۴؛ پوره، ۱۳۸۱: ۱۲۱ - ۱۲۲). مزار وی در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری است (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۷۷).

خیزش ابوالقاسم خان نیز موجی از غم و اندوه در بختیاری ایجاد کرد. سرایندگان بی نام و نشان در ابیاتی نام او را حفظ کردند. نگارنده صدای یکی از آن سرایندگان و خوانندگان را از قدیم دارد و در اینجا ابیاتی از آن صدای ضبط شده نقل می شود:

چار بالون، چار طیّاره، چار تا زره پوش
مو گُدم تیرون مرو بم نگری گوش
Čâr bâlun čâr tayyare čâr tâ zerepuš, mo godom teyrun maro bem nageri guš.

برگردان: چهار هواپیما و چهار بالگرد و چهار تا زره پوش به مقابله با تو (ابوالقاسم خان) آمده اند. من چه قدر به تو نصیحت کردم که به تهران نرو (همراه با تیمور بختیار)؛ اما تو به من گوش ندادی.

بالونا و بال ایان موتور به لنگر
لاش اسپید آقا اَبَل مَند مِن سَنگر
Bâlunâ ve bâl iyan motor be langar, lâše espied âqâ abol mand mene sangar.
برگردان: هواپیماها به پرواز درآمده اند و موتورهای نظامی یکی پس از دیگری می آیند. تو گویی جسد سفید ابوالقاسم خان در سنگر مانده است.

مُسلسل دستِ چپم، برنو به راستم درجه سرلشگری دادن نخواستم
Mosalsal daste čapom bernow be rāstom, daraje sarlašgari dâden naxâstom.
برگردان: سمت چپم تیربار است و سمت راستم، تفنگ برنو. آن‌ها حاضر شدند به
من درجه سرلشگری بدهند تا من از جنگ دست بردارم؛ اما من نپذیرفتم.
مُسلسل کار ایکنه تَنگ بالا تنگ کی دیده بچه‌لری با شا کُنه جنگ؟
Mosalsal kêr ikone tang bâlâ tang, kid ide bače lori bâ šâ kone gang.
برگردان: تیربار سرتاسر تنگ را تیرباران کرده است. چه کسی دیده است که پسر
لری با شاه بیجنگد؟
ای‌دا زوره، وُلا زوره، خدادونا دورس ناجوره ای‌دا جنگه وُلا جنگه خدا دونا جنگ تفنگه
Ey dâ zure volâ zure xodâ dunâ dowras nâjure, ey dâ jange volâ jange xodâ
dunâ jange tofange.
برگردان: ای مادر! دوران زور است و خدا می‌داند که روزگار ناجوری است. ای
مادر! جنگ است و خدا می‌داند که جنگ با تفنگ است.
نظامی کله پوستی خدا دونا لِنگا ملاری مو گُدم تو جنگ مکن خدا دونا وا بختیاری
Nezâmi kolapusti xodâ dunâ lengâ malâri, mo godom to jang makon xodâ
dunâ vâ baxtiyâri.
برگردان: ای نظامی پهلوی! با آن کلاه پهلوی و با پاهای لاغر و ضعیف، چه قدر به
تو گفتم که با بختیاری جنگ نکن.

۵ - ۲ - ۴. سوگ‌چکامه بی‌بی مریم بختیاری

بی‌بی مریم دختر حسین‌قلی‌خان ایلخانی، خواهر علی‌قلی‌خان سردار اسعد بختیاری (از
فاتحان تهران در انقلاب مشروطه) بود. بی‌بی مریم، مادر علی‌مردان‌خان بختیاری بود. او
در جنگ جهانی اول، به طرفداری از آلمان‌ها ضد روس‌ها و انگلیسی‌ها قیام کرد
(امیری، ۱۳۷۷: ۷۴ - ۷۵). وحید دستگردی (۱۳۰۷: ۱/ ۱۱۷) در کتاب *ره‌آورد وحید* و
گارثویت^{۲۳} (۱۳۷۵: ۸۹) در کتاب *بختیاری‌ها در آیینۀ تاریخ* نقش او را ستوده‌اند.
برادر او، علی‌قلی‌خان سردار اسعد، نیز نقش ارزنده‌ای در پیروزی انقلاب مشروطه
داشته است. فرزندش علی‌مردان‌خان بختیاری نیز از کسانی بود که با رضاشاه پهلوی
نبرد تأثیرگذاری کرد. بی‌بی مریم در آستانه جنگ جهانی اول، پناهگاه بسیاری از

آزادی خواهان از جمله وحید دستگیری بود. خیزش این زن دلیر در بختیاری سبب شد که برای او نیز چکامه حماسی زیبایی بسرایند:

کاشکی بی (وای، وای) بی مریم (ای خدا) سردار زنگل // قطارا (وای، وای)
حمایلس (ای خدا) ری دس مسلسل

Kaški bi vâv vâv bi maryama ey xodâ sardâre zangal, qatârâ vâv vâv
hamâyeles ey xodâ ri das masalsal.

برگردان: ای کاش بی بی مریم را بود؛ بی بی مریم که سردار و فرمانده زنان بختیاری بود. قطاری از گلوله ها را حمایل کرده بود و تیربار را به دست گرفته بود.

بی مریم (های، وُلا) شیر زنون (ای خدا) ز قله زیـد در // صد مرد (وای، های)

تفنگ به دس (ای خدا) نی واس برابر

Bi Maryam hây volâ šîre zanun ey xodâ ze qale zeyd dar, sad merd vâv hây
tofang be das ey xodâ ni vâs barabar.

برگردان: بی بی مریم همچون شیر زنان، از قلعه بیرون آمد. او زن بود. زنی که صد مرد تفنگچی با او برابر نبود.

بی مریم (وای، وای) سوار ایا (ای خدا) تفنگ سر شون // دهر (وای، ولا) ایلخانیه

(وای، ولا) دا علی مردون

Bi Maryam vâv vâv suvâr iyâ ey xodâ tofang sare šun, dohdare ilxâniye vâv
volâ dâ alimerdun.

برگردان: بی بی مریم سوار بر اسب می آید، در حالی که تفنگ را بر سر شانه نهاده است. او دختر حسین قلی خان ایلخانی و مادر شیرعلی مردان بود.

بی مریم (وای، وای) لچک به سر (وای، وای) تفنگ سر دس // شیر جنگی (آخ)

ایلمون (وای، خدا) مر منده بی کس

Bi Maryam vâv vâv lack be sar vâv vâv tofang sare das, šîre jangi âx ilemun
vâv xodâ mar mande bi kas.

برگردان: بی بی مریم روسری را محکم به سر بسته و تفنگ را بر سر دست گرفته است. او شیر جنگی ایل ماست و تو گویی که بی کس و تنها مانده است. (راوی: کوروش اسدپور)

۵-۳. سایر سوگ‌چکامه‌های حماسی (شوخین) بختیاری

علاوه بر چهار سوگ‌چکامه نقل شده، در میان قوم بختیاری چندین سوگ‌چکامه دیگر نیز وجود دارد که از ارائه متن کامل آن‌ها خودداری می‌کنیم و فقط فهرست آن‌ها ارائه می‌شود:

- سوگ‌چکامه یا شوخین نامدارخان منجری، ۱۲۶۰ هجری (حسینی، ۱۳۷۶: ۶۲ - ۶۴).

- سوگ‌چکامه یا شوخین فریدون و نجفقلی (همان، ۲۱ - ۲۴).

- سوگ‌چکامه یا شوخین محمودخان بهداروند (همان، ۳۳ - ۳۹).

- سوگ‌چکامه یا شوخین مُنار (همان، ۴۰ - ۴۲).

- سوگ‌چکامه یا شوخین اندیکا، ۱۲۶۶ هجری (همان، ۴۳ - ۴۹).

- سوگ‌چکامه یا شوخین نُه هزار، ۱۲۵۳ هجری (همان، ۵۰ - ۵۳).

- سوگ‌چکامه یا شوخین سرخون، ۱۲۶۴ هجری (همان، ۵۴ - ۵۶).

- سوگ‌چکامه یا شوخین آعلیداد خدرسرخ (همان، ۵۷ - ۶۱).

- سوگ‌چکامه یا شوخین بختیار عرب‌کمری (همان، ۶۵ - ۷۱).

- سوگ‌چکامه یا شوخین خداکرم‌خان (پوره، ۱۳۸۱: ۱۰۶ - ۱۰۹).

- سوگ‌چکامه یا شوخین صیدال چنگایی و مندنی کاله (همان، ۱۱۰ - ۱۱۷).

- سوگ‌چکامه یا شوخین شیمبار (همان، ۱۰۱ - ۱۰۶).

- سوگ‌چکامه یا شوخین جهان‌شاه‌خان (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۱۴۵ - ۱۴۸).

۵-۴. ساختار و محتوای سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری

سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری از نظر ساختار، نوعی شعر روایی - توصیفی‌اند؛ به عبارت دیگر، سراینده در این اشعار، با روایتی از یک جنگ برون یا درون‌مرزی بختیاری سروکار دارد و کار او در بهترین شکل ممکن این است که بتواند آن روایت را به‌زیبایی و هنرمندانه، در قالب اشعاری توصیف کند. البته، به شرطی که اصل و ذات روایت خدشه‌دار نشود. بنابراین، در این اشعار عمدتاً با توصیف صحنه یا صحنه‌هایی از نبرد یکی از قهرمانان بختیاری روبه‌رو هستیم.

این سوگ چکامه‌ها، از نظر مضمون و محتوا و شکل روایی، در نوع ادبی حماسه جای می‌گیرند و از این نظر می‌توان آن‌ها را جزو اشعار حماسی عامه قرار داد. با این توضیح که در این اشعار، زمینه‌های غنایی نیز قوی است. در این سروده‌ها چند عنصر و زمینه از عناصر و زمینه‌های شعر حماسی وجود دارد:

الف) زمینه روایی: ذات روایت یکی از ویژگی‌های اصلی شعر حماسی است. به عبارت دیگر، در شعر حماسی، «او» و روایت درباره «او» اصالت دارد و شاعر حماسی حتی باید حالات عاطفی خود را با ذات روایت منطبق کند (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در این سوگ چکامه‌ها نیز سراینده راوی‌ای است که از زبان قهرمانان جنگ‌های بختیاری‌ها سخن می‌گوید. او در این سخن‌گویی، به بخش‌هایی از جنگ و اتفاقاتی که برای آن قهرمان و سپاه بختیاری روی داده است، اشاره می‌کند. پیشنهادهایی که به قهرمان داده شده و او نپذیرفته، سلاح‌هایی که قهرمان در نبرد به‌کار برده است و سفارش‌هایی که قهرمان در آخرین لحظات به هم‌سنگران‌ش کرده، مهم‌ترین مواد محتوایی و روایی این-گونه اشعارند. البته، در بخش‌هایی از این اشعار، سراینده که خود از اقوام بختیاری و دوستدار قهرمانان است، به‌خود اجازه می‌دهد که وارد صحنه شعر شود و به‌سود قهرمان سخن بگوید. بنابراین، آن بی‌طرفی موجود در شعر حماسی ادب رسمی را در این نوع از اشعار نمی‌توان دید.

ب) زمینه قهرمانی: این اشعار در توصیف و بزرگداشت یکی از قهرمانان یا بزرگان منطقه‌ای سروده شده‌اند. قهرمانی که مورد علاقه مردم بوده و به‌دلیل مردم و منطقه‌اش، قیامی را علیه دستگاه جور رقم زده است. بنابراین، در این سوگ چکامه‌ها زمینه قهرمانی یا وجود قهرمان، همچون اشعار حماسی ادب رسمی قوی است.

ج) زمینه قومی: در این سروده‌ها، احساسات قومی و محلی پررنگ است. بارها سرایندگان دشمن را خطاب کرده و گفته‌اند: «چه کسی به‌تو گفت که با بختیاری بجنگی؟ آیا نمی‌دانستی که تو در برابر بختیاری یارای مقاومت نداری» و... بنابراین، احساسات بومی و قومی در این اشعار قوی است، همچنانکه در اشعار حماسی (در ادب رسمی) نیز زمینه قومی که بارزترین شکل آن برتری اقوام ایرانی است، قوی است.

د) زمینه ملی: در بسیاری از این سروده‌ها، مرزهای جغرافیایی اقوام کم‌رنگ می‌شود و سراینده وقتی از نابود شدن یا نابود کردن «شاه» سخن می‌گوید، گویی خود زبان گویای یک ملت است که از ظلم و جور به ستوه آمده است.

ه) روحیه دلاوری و سلحشوری: یکی دیگر از ویژگی‌های این اشعار، داشتن زمینه‌های دلاوری و سلحشوری است. در این اشعار، دلیری، جنگاوری و سلحشوری قهرمانان محلی به بهترین شکل ستوده می‌شود؛ به گونه‌ای که مخاطب نیز با شنیدن آن اشعار، دلاوری و سلحشوری را حس می‌کند. البته، در این سروده‌ها، علاوه بر آنکه از دلیری‌ها و رشادت‌های قهرمانان و بزرگان قومی سخن به میان می‌آید، در همان حال نیز، از مرگ جان‌کاه آن‌ها نیز حکایت می‌شود و سروده با مویه‌های قومی و مردمی همراه می‌شود و از این منظر است که ما این سروده‌ها را سوگ چکامه حماسی نامیدیم تا هم بتوانیم بار حماسی آن‌ها را نشان دهیم و هم بار غنایی آن‌ها را. البته، چنانکه گفته شد، بختیاری‌ها عمدتاً به این اشعار «شوخین» (شبیخون) یا «شوخی» می‌گویند و برداشت بیشتر مردم از آن‌ها، «بیت» یا بیت سروده‌هایی حماسی است در وصف جنگ و نبرد قهرمانان محلی با دستگاه ظلم و جور.

۵-۵. جنبه‌های ادبی و زبانی سوگ چکامه‌های بختیاری

سوگ چکامه‌های بختیاری از آن جهت که سراینده مشخصی ندارند و در منطقه‌های مختلف در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها اختلاف وجود دارد، جزو اشعار عامه هستند و مانند بسیاری از اشعار عامه، عمدتاً در قالب مثنوی سروده شده‌اند و دارای اشکالات وزنی و قافیه‌ای هستند و سرایندگان آن‌ها با توجه به قلت دانش و سواد ادبی، گاهی از قافیه‌های قبلی استفاده کرده‌اند و ابیات آن‌ها نیز به ندرت از پنجاه بیت فراتر می‌رود. وزن در این اشعار، مانند بسیاری از اشعار عامه، هجایی است؛ اما از آنجا که این اشعار بیشتر با صدای خوش و موسیقی خوانده می‌شوند، کمبود جنبه موسیقی عروضی آن‌ها از جهت کیفیت هجاها، با صوت و موسیقی جبران می‌شود. چنانکه گفته شد، این اشعار اشکالات قافیه‌ای دارند؛ اما دارای قافیه هستند، اگرچه از ردیف در آن‌ها خبری نیست. در برخی از این اشعار، جنبه موسیقایی قافیه قوی است:

بی‌عروس تو کل بزن، کل بُساکِی تفنگچی ز مَم‌صالح سوار ز راکی
Bi arus to kel bezan kele bosâki, tofangči ze mamsâle sovâr ze râki.
(حسینی، ۱۳۷۶: ۷۳)

از منظر آرایه‌های ادبی هم این‌گونه اشعار، مانند بیشتر اشعار عامه، فاقد آرایه‌های ادبی پیچیده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۰۶). شاخص‌ترین آرایه‌ها در این اشعار، همانند اشعار حماسی در ادب رسمی، عبارت‌اند از: تشبیه، اغراق و کنایه. بیشتر تشبیهات هم محسوس، عینی و ساده‌اند:

شمشیر علیمردون طلای بی غش به ژمین برق ایزنه به آسیمون تش
Šošire alimerdun telaye bi qaš, be zomin barq izane be asemun taš.
(همان جا)

شمشیر شاه اسدم چی نیزه آفتو همسو که زَنس به گِل دشمن کُنه تو
Šošire šâh asad či neyze afto, haso ke zanes be gel dešmen kone tow.
(همان، ۲۵-۲۹)

از نظر ارزش‌های تاریخی و فرهنگی نیز، چون این اشعار بیشتر بازگوکننده بخش‌هایی از تاریخ مبارزات قهرمانان بختیاری‌اند، می‌توانند در شناخت تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی اقوام گوناگون ایرانی، به‌ویژه قوم بختیاری سودمند باشند. وانگهی در بسیاری از این سوگ‌چکامه‌ها به پاره‌ای از باورها و آداب و رسوم مردم اشاره شده است و چنانکه گفته شد، در این سوگ‌چکامه‌ها انگیزه‌های نبرد با دستگاه حاکم، تهدیدها و تطمیع‌ها، فریب‌ها و نیرنگ‌ها، انواع تجهیزات، محل جنگ و نحوه مبارزات قهرمانان تا کشته‌شدن آن‌ها به‌تصویر کشیده می‌شود و از این رو، می‌توان گفت سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری، اشعاری چندوجهی هستند و شاید به همین دلیل است که هنوز هم جزو پرفردارترین اشعار عامه این منطقه‌اند و از این منظر می‌طلبد که تمام کسانی که دل در گرو تحقیق در ادب عامه اقوام ایرانی دارند، به این‌گونه از اشعار و ادب عامه هم توجه کنند و آن‌ها را نیز نقد و ارزیابی کنند.

۶. نتیجه

در این مقاله «سوگ‌چکامه»های حماسی بختیاری به‌عنوان گونه‌ای از اشعار عامه در زبان بختیاری بررسی شد. سوگ‌چکامه نامی است که در این مقاله در برابر واژه

«شوخین» (شیب‌خون) بختیاری به‌کار رفته و نشان داده شده است که با توجه به‌حضور تأثیرگذار افرادی از قوم بختیاری، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران و درنهایت، کشته شدن آن‌ها در آن عرصه‌ها، سوگ‌چکامه‌هایی در توصیف نبرد آن قهرمانان سروده شده است. متأسفانه با همه اهمیت‌هایی که این سوگ‌چکامه‌ها در این منطقه دارند، آن‌چنان که شایسته است تاکنون توجه و نقد و ارزیابی نشده‌اند و به‌تبع آن، جایگاه آن‌ها در حوزه اشعار عامه مشخص نشده است. در این مقاله که با هدف معرفی، توصیف و نقد این‌گونه از اشعار عامه در بختیاری تهیه شده، نشان داده شده است که در میان قوم بختیاری، بالغ بر ۲۴ سوگ‌چکامه یا شوخین وجود دارد که از این تعداد، سوگ‌چکامه‌های اسدخان بهداروند، علی‌مردان‌خان بختیاری، ابوالقاسم‌خان بختیاری و بی‌بی مریم بختیاری از همه معروف‌ترند؛ زیرا انگیزه جنگ در آن‌ها، انگیزه‌ای فراقومی است. در این سوگ‌چکامه‌ها، سراینده هم‌نگاهی به صحنه‌های جنگ دارد و هم‌نگاهی به صحنه‌های سوگ و شیون مردم در غم از دست دادن قهرمانان خود. عظمت و بزرگی قهرمان را ستایش می‌کند و ضعف و جبونی دشمن را به رخ او می‌کشد. از فریب‌ها و نیرنگ‌هایی سخن می‌گوید که سبب شدند تا این دلیرمردان، ناجوانمردانه به دست دشمن کشته شوند. همچنین، در این مقاله مشخص شده است که سوگ‌چکامه‌های بختیاری مانند بیشتر اشعار عامه، سراینده مشخصی ندارند. در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها اختلاف وجود دارد. وزن آن‌ها هجایی است. قافیه دارند؛ اما مردف نیستند. عمده ترین آرایه ادبی در آن‌ها عبارت‌اند از تشبیه، اغراق و کنایه. وانگهی با توجه به مضمون و محتوای حماسی این سوگ‌چکامه‌ها و وجود زمینه‌های شعر حماسی در آن‌ها ازجمله زمینه‌های روایی، قهرمانی، قومی، ملی و روحیه دلاوری، بهتر است این‌گونه اشعار را زیرمجموعه اشعار حماسی عامه، با عنوان سوگ‌چکامه‌های حماسی قرار دهیم تا هم بتوانیم بار حماسی آن‌ها را نشان دهیم و هم به‌گونه‌ای بار غنایی آن‌ها را و البته، در هر منطقه از کشور، نام محلی آن اشعار را نیز ذکر کنیم، چنانکه ما در همه جای این مقاله در کنار ترکیب «سوگ‌چکامه حماسی بختیاری»، واژه «شوخین» (شیب‌خون) را ذکر کرده‌ایم.

پی‌نوشت

1. Zhoukovskii

منابع

- آسمند، علی (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات در قوم بختیاری*. اصفهان: شهسواری.
- امیری، مهرباب (۱۳۷۷). «حماسه علی‌مردان‌خان بختیاری». به‌کوشش غلامعباس نوروزی بختیاری. چاپ‌شده در کتاب *آنزان*. ش ۲. صص ۷۳ - ۹۰.
- پوره، کاظم (۱۳۸۱). *موسیقی و ترانه‌های بختیاری*. تهران: آنزان.
- حسینی، بیژن (۱۳۷۶). *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری به‌انضمام شرح جنگ‌ها و حماسه‌ها*. اصفهان: شهسواری.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶). *سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری*. تهران: طرح آینده.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۲). *تاریخ و فرهنگ بختیاری*. اصفهان: حجت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷). *زبان و ادبیات عامه ایران*. ج ۳. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». *ادب‌پژوهی*. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۳ - ۱۷۰.
- رئیسی، داراب (۱۳۷۵). *گل‌بانگ بختیاری*. ج ۳. شهرکرد: ایل.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۸). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی*. تهران: سخن.
- ژوکوفسکی، والتین آلکسی‌ویچ (۱۳۹۶). *موادی برای مطالعه گویش بختیاری*. ترجمه مریم شفق و سید مهدی دادرس. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیاهپور، کشواد (۱۳۹۲). *حوادث تاریخی بویراحمد در دوره‌های قاجار و پهلوی و بازتاب آن در اشعار شاعران محلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ. به راهنمایی عبدالرسول خیراندیش. دانشگاه شیراز.
- قاضی‌زاده، مریم (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی شعر بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱). *ادبیات عامه بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- گارنویت، جن. راف (۱۳۷۵). *بختیاری در آیین تاریخ*. ترجمه مهرباب امیری. تهران: آنزان و سهند.

نقد توصیفی و ساختاری سوگ چکامه‌های حماسی بختیاری... _____ اصغر شهبازی

- غفاری، عیسی (۱۳۸۸). «موسیقی سوگ در ایل بختیاری، نگاهی به آواز گاگریوه (گوگریوه) و ساز چپی (ساز وارونه) در موسیقی بختیاری». کتاب ماه هنر و معماری. ش ۸۲. صص ۱۷۰ - ۱۸۴.

- مددی، ظهراب (۱۳۹۲). *واژه‌نامه زبان بختیاری*. (ویرایش دوم). اصفهان: ظهراب مددی.

- نوروزی بختیاری، غلامعباس (۱۳۷۷). *کتاب آنزان (کتاب دوم: ویژه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن بختیاری)*. تهران: آنزان.

- وحید دستگردی، حسن (۱۳۰۷). *ره‌آورد وحید*. تهران: چاپخانه فردوسی.

Descriptive and structural criticism of Bakhtiāri's epic odes mourn: a type of folk poems

Asghar Shahbāzi ^{1*}

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature – Farhangīān University of Shāhre –kord-Iran.

Received: 10/05/2019

Accepted: 30/06/2019

Abstract

In Bakhtiāri dialect, šowxin is a type of folk and epic poetry that describes the bravery, struggle and murder of one of the brave elders or men of Bakhtiāri people. Like other folk poems they have had anonymous poets. The order and number of their verses are different, and mainly reflect the love and devotion of people towards their ethnic heroes. These poems also refer to certain traditions, beliefs in addition to historical, political and social issues of Bakhtiāri people. Since most of works on Persian folk language and literature has not been adequately addressed, this article provides an overview of the research on Bakhtiāri poetry. These poems have been described and it is briefly stated that there is about 24 šowxin type (389 verse) in this dialect, among them four are important and remarkable. The present paper seeks to explore the structural and content characteristics of Bakhtiāri's šowxin, such as their templatic characters, elements, contexts of epic poetry and strong descriptions. Šowxins are considered influential folk poems and deserve to be taken into account from different viewpoints among different ethnic groups.

Keywords: Folk poems, Bakhtiāri dialect, ode, šowxin, Ali Mardān Khan, Sardār Maryam Bakhtiāri

*Corresponding Author's E-mail: asgharshahbazi88@gmail.com